مرکز پخش غذای روح

عباس داوری

ای امیرِ نگیر، خواهش می‌کنم بگیر

از ننه اسماعیل(واسطه‌گر ازدواج)
به امیرهای نگیر
پسرم امیرجان، اولا عرض سلام با قیافه‌ای عبوس دارم،
ثانیا می‌دانم آنچه را خواهم گفت می‌دانی! چون بیش از هزار بار گفته‌ام اما بازهم می‌گویم چون معلوم است قشنگ حالیت نشده است.
حتما می‌دانی، اوضاع جوانی جمعیت جوریست که دیگر در کلمات نمی‌گنجد و تنها می‌توان گفت: رپته‌پتینا!
پس بدان اگر ازدواج نکنی و بچه نیاوری فردا که پیر شدی برای ویزیت دکتر، باید به هند بروی! یا چین! آگاه باش که قطعا در راه تلف خواهی شد بچه روغن نباتی! پس بر تو واجب است به همراهی دیگر امیرها دست به کار شده و زوجی درخور خود برگزیده و به تولید جوان آینده همت گماری.
می‌دانم بهانه‌های زیادی داری که نگیر باشی.
مثلاً می‌گویی پول ندارم! خب چه کسی از تو پول خواست مومن مسجد ندیده؟ مگر نمی‌دانی دولت به کسی که ازدواج کند وام کلان با کارمزد تنها ۴ درصد می‌دهد؟ بله می‌دانم دیر می‌دهد، حتی یک مورد داشتیم که می‌گفت ۷ سال طول کشید تا وام ازدواج بدهند! ولی نکته مهم این است که بالاخره دادند.
یکبار هم بهانه آوردی که «از نظر روانی آمادگی ورود یک جنس مخالف به زندگی‌ام را ندارم!»
نمی‌دانم این جمله ثقیل را چگونه حفظ کردی و چگونه موقع گفتنش خنده‌ات نگرفت! لابد آن کسی که شب و روز در پی‌وی و دایرکت به هر اکانت دختری که سر راهش قرار می‌گیرد «سلام، خوبی؟ امیرم، خوشحال میشم آشنا بشیم» می‌فرستد عمه بابابزرگه منه! نه جناب‌عالی!
بعضی وقت‌ها هم می‌گویی بزرگ نشده‌ام من هنوز بچه‌ام!
توصیه می‌کنم به آینه نگاه کنی و ریش‌های دراز جو گندمی‌ات را نظاره کنی، شناسنامه‌ات هم کمی کمتر از ۴۰ سال را نشان می‌دهد.
اما می‌دانی پسرم، مشکل اصلی تو ترس است، می‌ترسی از زنت کتک بخوری!
اما بدان راه‌حل غلبه بر ترس این است که شیرجه بزنی به طرف آن چیزی که از آن ترس داری! فقط مواظب باش دماغت نشکند! چون وی مجهز به انواع و اقسام سلاح‌های سرد است! کتک خوردن از زن ترس ندارد مگر اینکه کفش پاشنه‌دار در دستش باشد!
این قسمت خطاب به امیرهای ازدواجی اما گردن‌نگیر است.
امیرجان حالا که زن گرفتی، لطفاً مسؤولیت بچه را هم گردن بگیر! می‌دانی که تا بچه نیاوری متاهل شدن تو دردی را دوا نمی‌کند.
می‌دانم گرانی هست ولی باور کن وام فرزندآوری می‌دهند! درست هست کم هست و دیر می‌دهند ولی باور کن می‌دهند! همین صغری، دخترخاله‌ام می‌گفت بالاخره وام فرزندآوری را گرفتند و پول دانشگاه بچه‌شان جور شد.
وقت کم است و حرف زیاد اما پسرم بدان اگر سه تا بچه بیاوری ۲۰۰ متر زمین هم می‌دهند تا یک وام دیگر بگیری و یک خانه بزرگ بسازی و بچه‌هایت را در آرامش بزرگ کنی.
امیر جان آیا نمی‌خواهی در روز جمعیت (۳۰ اردیبهشت) یک خواستگاری اجباری بفرستمت؟

طاهره ابراهیم‌نژاد

پیوندتان مبارک!

شبی خواب دیدم شبی بس دراز
چه خوابی! دهان مانده تا صبح باز

حقیر از قضا خط تولید داشت
نگویم که تدبیر و امید داشت

همه دانش و علم و تکنیک و فن
خدای تخصص شدیدا خفن

خلاصه که جراح بودم به خواب
که می‌داد پیوندهایم جواب

هنر کرد سر ریز و در آن میان
به بوگاتی بستم سیلندر ژیان

نماند از سه چرخه به جز رینگ و بوق
که بستم به پورشه، امان از نبوغ!

به ای‌اف‌سون هم زدم طرح شیک
که تأمین شود گازش از پیک‌نیک

به خودگفتم ای نخبه سختکوش
برو بهر بازاریابی بکوش

تلویزیون خواب من را پراند
و مانند میخی به جایم نشاند

خبر خواند گوینده محترم
و پای خبر خورد صد تا قسم:

یکی کرده از خوک عضوی شکار
سپس کرده آن را بر آدم سوار

تن بینوا طفلکی کرده هنگ
بدن کرده بیچاره اعلان جنگ

خودش را زد و عضو بی‌بته را
پکیدند هر دو ته ماجرا

...آخه آی‌یو! نابغه! کله پوک
تن آدمی؟ کلیه؟ بچه‌خوک؟!

زهرا آراسته‌نیا

به گزارش یورونیوز، با حمله صدها زنبور به نظامیان صهیونیست در جنوب غزه، ۱۲ سرباز صهیونیست بستری شدند.

#زنبور_باغیرت

گفتیم به صهیون که چه اوضاع و چه حال است؟
گفتا که مرا لشکر زنبور، وبال است
افتاده به جانم به دوصد نیش کشنده
انگار که در پیست به دنبال مدال است
این دست حماس است تونل زد توی کندو
ور نه که ز زنبور چنین حمله محال است
گفتم بدوم تا بگریزم ز حضورش
ای داد که بی‌وقفه به دنبال جدال است
با نیش شده کل سر من متورم
آنقدر که در گوش فقط حاوی چال است
افسانه چنگیز شنیدیم ولیکن
پَر...ویز کنون صاحب الگوی قتال است
می‌گفت و شنیدیم و بسی کیف نمودیم
باید بپذیرد که دگر رو به زوال است
این غده پرچرک و کثیف و لجن‌آلود
زنبور چه دیده است در او جای سوال است
در بین سکوت همه حکام عرب، حال
زنبور نماد شرف و غیرت سال است

طوبی عظیمی‌نژاد

هفته نیوز

فروش هفته
وزیر نفت: سال گذشته بیش از ۳۵ میلیارد دلار نفت فروختیم.
وزیر نفت دولت قبل: ما هم می‌خواستیم بفروشیم‌ها ولی فرصت نشد!!

خجالت هفته
آمریکا ۳۷ نهاد چینی را به فهرست سیاه تجاری خود اضافه کرد.
چین: حداقل از اون تلفن روی میز رئیس‌جمهورتون خجالت می‌کشیدید.

محرمانه هفته
معاون حقوقی رئیس‌جمهور: قراردادهای نفتی در صورت محرمانه‌نبودن باید شفاف شوند.
بزرگواران نفتی: ما می‌گیم محرمانه است افتاد؟!

مقام‌آور هفته
ایران، دومین تولیدکننده سوخت مایع و بزرگ‌ترین تولیدکننده این محصول پس از عربستان در اوپک معرفی شد.
هدف از کسب این مقام، دشمن‌سوزی بود که الحمدلله حاصل شد.

اعتراف هفته
بایدن: بمب‌های ما برای کشتار غیرنظامیان در غزه استفاده شد.
نتانیاهو: دانشجوها رو ول کنید، یکی بایدن رو بگیره!

سیم آخر هفته
رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا (مارک میلی): ارتش آمریکا هم انسان‌های بی‌گناه زیادی را کشته است.
وی افزود: بالاخره می‌خواستن بمیرن، حالا کمی زودتر!

پاتوکش شاعرها

ابن‌یمین | میثم‌حسینی
یک نصیحت بشنو از من کاندران نبود غرض
چون نمایشگاه رفتی یک فلافل هم بزن
از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
زنهار از این مصلی وین حجم انتشارات
حافظ | میثم‌حسینی

حسین‌منزوی | مرضیه‌ملکیان
برای تو غزلی عاشقانه ساخته‌ام
ولی مجوز چاپش هنوز حاضر نیست
دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد
شاید به‌جای تیشه دستش کتاب باشد
حزین لاهیجی | سیدمحمدصفایی

حافظ | البرز بهرامی
ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد
خوراکی و بن تخفیف از نمایشگاه
بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت
بن تخفیف سی درصد، فقط مخصوص دانشگاه
حافظ | البرز بهرامی

حافظ | میثم‌حسینی
مدعی خواست که آید به تماشاگه راز
انتشارات رقیب آمد و او را بُر زد
طلب کردم ز دانایی یکی پند
دو جلد از «بیشعوری» داد دستم
سعدی | فاطمه جعفری

نیلوفر نویدی

اگر گفتین کجا دارم میرم؟

توصیه‌هایی دوستانه برای شما دوست عزیز هنگام رفتن به نمایشگاه کتاب

این روزها که بازار نمایشگاه کتاب و کتاب‌گردی و کتاب‌خوانی و کتاب‌خری و کتاب‌خواری و این دست مقولات داغ است، ما برای‌تان پیشنهادات ویژه‌ای آورده‌ایم. پیشنهاداتی که باعث می‌شود شما خرید بهتر و مناسب‌تری داشته باشید.

یک - بگردید
در فضای مجازی و صفحات تمام بلاگرهای مختلف بگردید و نام هر کتابی را که آنها گفته بودند، روی کاغذی بنویسید و هیچ‌کدام از آنها را نخرید. چرا که خود آنهایی هم که آنها را خریدند، عمرا اگر یک صفحه از آن کتاب را خوانده باشند. روتین کتاب‌خوانی روزانه‌شان که هیچ‌وقت ترک نمی‌شود نیز صرفا به دلیل توی چشم کردن آن سرویس چای‌خوری است که ست کاملش را کنار کتاب چیده‌اند. لذا بی‌خیال هر کتابی که اسمش روی بورس صفحات زرد و قرمز و صورتی مجازی است، شوید و بروید و کتاب هم‌کفو خودتان را پیدا کنید.

دو- نخرید
یکی از عوامل موفقیت در هر نمایشگاهی، همراه داشتن یک کوله اطمینان است. با فرض اینکه شما قبل از ورود به نمایشگاه، توپ غذا خورده و سیر باشید، به محض ورود و عبور از جلوی دو غرفه سیب‌زمینی سرخ کرده به این نتیجه می‌رسید که غذای‌تان یک سیب‌زمینی به شما بدهکار بوده است. پس با شرط اینکه یکی می‌خرید و نصف، نصف با دوستان‌تان می‌خورید؛ در لحظه سفارش یادتان می‌آید مگر دلخوشی دیگری هم دارید؟ پس دو تا سیب‌زمینی به همراه یک ذرت مکزیکی سفارش می‌دهید. حتما بعد از خوردن سیب‌زمینی و ذرت تشنه‌تان می‌شود و خرید نوشابه یخ بر شما واجب. پس در همین ابتدا شما چیزی حدود سیصد هزار تومان وجه رایج مملکت را به فنا داده‌اید. تازه به فرض اینکه بی‌خیال آبمیوه، چیپس و ساندویچ پایانی و اینطور چیزها شوید. پس برای اطمینان، در خانه یک ظرف سیب‌زمینی برای خودتان سرخ کنید و و یک قمقمه آب بگذارید تنگش. اگر با ادا و اصول مثبت بودن کنار می‌آیید، می‌توانید با ظرف میوه نیز خستگی‌تان را در کنید. اینطوری خیلی راحت با یک استوری و با توجه به غرفه انتخابی‌تان در پشت‌زمینه ظرف میوه، ۱۰- هیچ از همه جلو افتادید.

سه- نگیرید
باور کنید همه مشتاقان نمایشگاه کتاب، هر طوری شده خودشان را به نمایشگاه رسانده‌اند. اگر هم نتوانستند، شبکه‌های تلویزیون با نظم و ترتیب یکجا نشستند و هی نمایشگاه را نشان می‌دهند و با همه آدم‌هایی که آنجا یک کسی هستند؛ صحبت کرده‌اند. پس جان ما آن گوشی را غلاف کرده و با هیجان استوری نگذارید: «اگر گفتین کجا می‌خوام برم؟» خیلی راحت یک نفس عمیق بکشید، صفحه را قفل کنید، گوشی را درون جیب شلوارتان گذاشته و به چشم‌های‌تان اجازه دهید دنیا را از دریچه خودشان نه لنز دوربین‌تان ببینند.

امیدواریم به شما

سجاد گیل‌پور محسنی

محمدحسین صادقی

بازی کتابی راه‌راه

دقیق‌ترین پاسخ هفته گذشته به سوال اینکه تلفن همراه به چه درد دختران می‌خورد: دختران تلفن همراه را برای تماس گرفتن و عذرخواهی کردن از برادران‌شان استفاده می‌کنند، آن‌هم زمانی که کارشان به برادر گیر کرده است!

اما این هفته در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب، بیایید ببینیم با توجه به اسامی این کتاب‌ها، موضوع و محتوای آنها چیست؟

- قورباغه‌ات را قورت بده: موضوع این کتاب تغذیه و محتوای آن و روش‌های متقاعد کردن مردم برای خوردن قورباغه -پخته یا نپخته- است.
- هنر ظریف بی‌خیالی: موضوع این کتاب مدیریت خانواده و محتوای آن مخصوص زوج‌های جوانی است که بزرگ‌ترین مشکل‌شان با هم، خیس بودن دمپایی دستشویی است.
- راهکارهای دویدن: این کتاب موضوعی مرتبط با خودرو دارد و محتوای آن این است که چگونه از خودرو برای حمل و نقل و ورزش استفاده نکنیم.
- مردان مریخی، زنان ونوسی: در این کتاب به موضوع موجودات فضایی پرداخته شده و محتوای آن شامل آناتومی بدن زنان و مردان فضایی است.
- شیرموزت را سر بکش: خوراکی‌های خوشمزه موضوع این کتاب است و در آن دستور تهیه انواع آنها نوشته شده است.

حالا شما بگویید: به نظرتان موضوع کتاب عادت‌های اتمی چیست و چه محتوایی دارد؟

شما می‌توانید پاسخ خود را از طریق کیوآرکد رو به رو یا لینک https://survey.porsline.ir/s/HXrHQaT برای ما ارسال کنید.دقیق‌ترین پاسخ در شماره آتی ویژه‌نامه منتشر خواهد شد.

گوگی خیلوت ۲

سیما شرفی

بار زحمت رو کنار بذار

سلام و عرض ادب خدمت همه ببیندگان عزیز! امروز در خدمت آقای مستر داننده هستیم، و قرار است پاره‌ای از مسائل را پاسخ بدهند.
+ سلام، نظر شما درباره اینکه ایران جزء ۲۰ کشور دارای انرژی هسته‌ایه چیه؟
- دنیای فردا دنیای گفتمان است انرژی هسته‌ای به چه دردمون می‌خوره، به جای این‌کارا بروند یکم گفتمان یاد بگیرند و بقیه رو توی زحمت نندازند.
+ اما انرژی هسته‌ای در خیلی موارد مثل ساخت آب‌شیرین‌کن‌ها، صنعت کشاورزی و تولید برق کاربرد داره.
- خب که چی؟ وقتی که سوخت‌های فسیلی زیر پامون هست چه کاریه آقا؟! با اون بروند برق تولید کنند، فقط جمهوری اسلامی بلده خودش و بقیه رو توی زحمت بیندازه مثلا یه عده جوونای خودمون به جای اینکه بروند مهندس هسته‌ای بشوند، مهندس آب و فاضلاب می‌شدند یا فلافل فروش و چندتا فلافل می‌دادند دست ملت! اسرائیل بیچاره هم مجبور نمی‌شد این همه جاسوس بفرسته یا دانشمندها رو ترور کنه! این اسرائیل بیچاره بی‌خانمان رو هم توی زحمت انداخته.
+ آقای داننده! اما انرژی هسته‌ای توی خیلی از زمینه‌ها از جمله مواد غذایی و کشاورزی، صنعت، پزشکی و تحقیقات علمی، حمل و نقل و منابع آب و محیط زیست کاربرد داره، چه زحمتی آخه!
- شما تحت تاثیر رسانه قرار گرفته‌اید آقا! الان غنی‌سازی ۹۰درصد، تولید سانتریفوژ، سانتریفوژ، سانتریفوژ، بالاخره موفق شدم ۳ بار پشت سر هم بگم، حالا شما نگاه کنید گفت این کلمه هم زحمت اضافه برای لب و دهان است چه برسه به بومی‌سازیش. کاش به جاش می‌رفتند مهارت‌شون رو توی درست کردن آش بزباشی، تولید لولهنگی، چیزی می‌ذاشتند نه تولید نیروگاه و رآکتور و این صحبت‌ها. این همه کشور نداره انرژی هسته‌ای ایران هم روش، چی از دنیا کم می‌شد آقا! هیچ!!
+ گفتند لولهنگ هم سخته‌ها! مثلا پیشرفت‌های چشمگیر انرژی هسته‌ای باعث شد کشورهای غربی با ما سر میز مذاکره بشینند.
- میگم بار اضافیه! میگه نه! چقدر ظریف بیچاره از توی بالکن دست تکون داد، چقدر فشار ایمیلی وارد کرد، یا بعد از مذاکرات ۱+۵ اومد سیمان ریخت توی قلب رآکتور و بتنش کرد یا ...؟
+ نظرتون درباره ساخت دستگاه مغناطیسی ایرانیون چیه که علاوه بر اینکه مشکلات هسته‌ای رو برطرف کرد زحمتی که روی دوش صنعت پتروشیمی هم بود رو برداشت؟ علاوه بر اینکه دستگاه خیلی گرون بود کسی هم به ما نمی‌فروخت.
- این رو کی و کجا گفته؟ یعنی من باید بروم بسته بگیرم و خبرها رو بخوانم، اینم بار زحمت برای من!
+ حرف آخر؟
- از سران نظام می‌خواهیم این بار اضافه رو از روی دوش‌شون بردارند و برای کشورهای دیگه هم زحمت ایجاد نکنند و مشکلات آب، برق، کشاورزی و پزشکی‌شون رو از راه‌های دیگه حل کنند اگه راست میگن که تولید علمشون ۱۱ برابر رشد علم جهانه!

محمدرضا رضایی

گزارشی از حال و هوای فصل توت مگه تموم عمر چندبار توت می‌ده؟

با سلام خدمت شما مخاطبان گرامی؛ در این عصر زیبا و دلنشین اردیبهشتی به سطح شهر اومدیم تا از نزدیک شاهد مراسم توت‌خوری همگانی باشیم که هرساله در این موقع از سال در معابر عمومی برگزار می‌شه؛ پس با ما همراه باشید.
+ من اینجا دوست عزیزی رو می‌بینم که با خانواده به این قسمت از شهر اومدن و دارن از توت‌های پیاده‌رو لذت می‌برن. دوست عزیز توت خوردن با خانواده و فامیل خوش می‌گذره؟
- نه آقا چه خوشی؟! اتّفاقاً ما از هم بدمون میاد، سال به سال هم سراغی از همدیگه نمی‌گیریم؛ اصلاً با هم حرف هم نمی‌زنیم.
+ خب پس چرا برای تفریح و توت‌خوری باهم اومدید بیرون؟
- تفریح کدومه؟ این بیزینسه؛ همیشه این موقع از سال که می‌رسه، ما همه اختلافات‌مون رو کنار می‌ذاریم و طبق یک برنامه‌ریزی دقیق به تمام درخت‌های توت سطح شهر سر می‌زنیم و با کمک هم همه توت‌هارو جمع می‌کنیم، جهت بسته‌بندی و صادرات به کشورهای همسایه؛ آخرش هم هرکی دستمزد و سود خودش رو می‌گیره و می‌ره سراغ زندگی خودش تا اردیبهشت سال بعد.
+ خب یه سوال برام پیش اومد؛ شما الان تا وسط خیابون اومدید و چهارگوشه شال رو گرفتید که درخت توت پیاده‌رو رو بتکونید؛ تقریباً دوسوم خیابون رو بستید و ترافیک درست شده. این درسته به نظرتون؟
- بله کاملاً درسته! مگه این درخت‌ها چند روز در سال محصول می‌دن؟ حالا همه سال ماشین‌ها از این خیابون رد می‌شن، یه چند روز هم به خاطر ما تو ترافیک بمونن؛ عوضش کارآفرینی می‌کنیم دیگه!
+ خب آخه برای خودتون خطرناک نیست؟
- چرا اتّفاقاً سال پیش عموی بزرگ‌مون رو در همین راه از دست دادیم؛ بالاخره هر کاری سختی‌ها و خطرات خودش رو داره.
+ خب آخه این توت‌ها برای استفاده همه هست، شما دارید حق بقیه رو هم می‌خورید.
- اولاً که ما حق بقیه رو نمی‌خوریم، بلکه حق بقیه رو می‌بریم و صادر می‌کنیم. دوماً بقیه هم اگه تونستن بیان و ببرن، مگه من جلوشونو گرفتم؟ حالا هم اگه سوالی نیست برو که خیلی از برنامه عقب افتادیم. هنوز ۲۵۰ تا درخت دیگه مونده که امروز باید بهش برسیم.
خب! مخاطبان عزیز، دیدید که چقدر این درخت‌های توت سطح شهر حس و حال خوبی به شهرمون داده و مردم اوقات خوشی رو باهاشون سپری می‌کنن؛ البته اگه بعضیا بذارن و فکر نکنن که این توت‌ها ارث پدرشونه. امیدوارم شما هم از این توت‌های درشت و آب‌دار نصیب‌تون بشه.

ضمیمه طنز راه راه کاری از دانشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی
دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی
راه‌های ارتباطی
https://zil.ink/bashgahtanz
مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی